

بنام مقصود عالمیان

متروک عالم و مسجون بین امم ترا بلسان پارسی احلی ذکر مینماید لتکون من الشاکرین کتابت بمنظر اکبر فائز و صدر آن بکلمه‌ئی مزین بود که فی الحقیقه دلیل اعظم است از برای این ظهور اقوم افخم و حجّت بالغه است از برای امم و آن کلمه این بوده اللهم انی اسألك من بهائک بأبهاه و کل شنیده‌اند که فرموده‌اند که اسم اعظم در این دعا مذکور و مستور است و حال او ظاهر و ناطق و مشرقست بر کلّ من علی الأرض کدام دلیل اعظم از اینست و کدام برهان اکبر از این مقام ملاحظه نما که اول دعا باینکلمه مبارکه مزین شده اگر بهمین فقره استدلال بر حقیقت این امر نمائی از برای کسی مجال توقّف و اعراض نخواهد ماند مگر معرضین که در هر عصری از اعصار از رحیق عنایت محروم بوده‌اند و بحیل اوهام متمسک حمد کن مقصود عالم را که ترا مؤید بذکر این کلمه علیا و درّه اولی فرمود در این ظهور اعظم و اشراقات آن و ما ظهر منه تفکر نما لعمری انّها تجذبک الی مقام تراه مهیماً علی من فی السموات و الأرضین ان استقم علی الأمر و قل سبحانک اللهم یا الهی اسألك ببحر مشیتک و سماء ارادتک و مشرق وحیک و مطلع الهامک الذی ینادیک فی سجنه الأعظم بعد الذی قام علیه طوائف الأمم بأن تؤیّدنی علی ذکرک و ثنائک و ترزقنی ما یطمئنّ به قلبی فی ایامک و نور بصری بنور معرفتک انک انت المقتدر المتعالی العلیم الحکیم

تفکر در براهین واضحه و دلائل ساطعه این ظهور نما اگر نفسی الیوم در این امر توقّف نماید ابداً قادر بر اثبات امری دیگر نبوده و نخواهد بود از خدا بخواه حلاوت بیانش را بیابی و هر که یافت خود را از عالم و ما فیه فارغ و آزاد مشاهده نمود انه لهو المتکلم الصادق العزیز المنیع